

و عایشه رضی الله عنها روایت میکند که رسول  
صلی الله علیه گفت: " خدای اهل شهری را جمله عذاب  
فرستاد که دروی هیچده هزار مرد بود که عمل ایشان  
همچون عمل پیغمبران بود". گفتند: چرا یا رسول الله؟  
گفت: " برای آنکه بر دیگران برای خدای تعالی خشم  
نگرفتند و حسرت نکردند".

و در خیر است که حق تعالی وحی فرستاد به یوشع  
بن نون علیه السلام که: " صد هزار مرد از قوم تسو  
هلاک خواهم کرد، چهل هزار از نیکمردان و شصت هزار از  
بد مردان". گفت: " بار خدایا، نیکمردان را چرا  
هلاک کنی؟" گفت: " از آنکه با دیگران دشمنی  
نکردند، و از خوردن و خاستن و معاشرت کردن با ایشان  
حذر نکردند".

x x x

— رسول صلی الله علیه و آله گفت: خدای تعالی  
و عده داده است که هر سالی شصت هزار بنده کعبه را  
زیارت کند به حج — و اگر کمتر از این باشند از ملائکه  
چندان بفرستد که این عدد تمام شود — و این ملائکه  
کعبه را حشر کنند چون عروسی، و هر که حج کرده باشد  
گرد وی همی گردند و دست در پرده های وی زنند تا آنگاه  
که او در بهشت شود و ایشان نیز با وی در بهشت  
شوند.

و چون حج کند باید که موی نَسْتُرَد، و ناخن باز  
نکند، و جماع نکند، و اگر کند اشتری یا گاوی یا هفت  
گوسفند واجب آید. و مقدمات مباشرت چون بر ما سیدن (۱)

۱ — ما لشردادن.

زن و بوسه دادن نشاید که اندر وی گوسفندی واجب آید ،  
و در استمناء همچنین .

x x x

— علما را خلاف است در سماع ، که حلال است بسیار  
حرام — و هر که آن را حرام بکرده است از اهل ظاهر  
بوده است ... و روا نباشد که سماع حرام باشد بدان  
سبب که خوش است ، که خوشیها حرام نیست ، و آنچه از  
خوشیها حرام است نه از آن حرام است که خوش است ،  
بلکه از آن حرام است که در وی ضرری باشد و فسادی .

... و عایشه روایت میکند که " دوکنیزک نزدیک  
من دف میزدند و سرود میگفتند ، به روز عید ، رسول  
صلی الله علیه در آمد و بر بستر بخت و روی از دیگر  
جانب کرد ، ابوبکر رضی الله عنه در آمد ، و ایشان را  
بازداشت و گفت " در خانه رسول و مزمار شیطان ؟ " رسول  
گفت : " یا ابابکر ، دست از ایشان بدار ، که روز عید  
است " . پس دف زدند و سرود گفتن از این خبر معلوم شد  
که مباح است .

اما سماع به پنج سبب حرام شود ، و باید که از آن  
حذر کنند :

سبب اول آنکه از زنی شنود ، یا از کودکی که در  
محل شهوت باشد . اما سماع از کودکی که در محل فتنه  
نباشد مباح است ، و از زنی که زشت بود مباح نیست .  
سبب دوم آنکه با سرود رباب و چنگ و بریط و چیزی  
از روده ها باشد ، که از روده هانهی آمده است ،  
نه به سبب آنکه خوش بود ، لیکن به سبب آنکه این  
عادت شرابخوارگان است . اما طبل و شاهین و دف — اگر  
چه در وی جلاجل بود — حرام نیست ، که اندر این خبری

نیامده است . و این چون روده هانیت ، که این نه‌شعار  
شرا‌بخوارگان است ، بلکه دف‌خود زده‌اند در پیش‌رسول  
صلی‌الله‌علیه ، و فرموده‌است زدن آنرا در عروسی ، و  
طبل‌حاجیان و غازیان را خود رسم است زدن . اما طبل  
مختّان حرام بود ، که آن شعار ایشان است ، و آن طبلی  
دراز بُود ، میان باریک و دوسرپهن .

اما شاهین اگر به سر فرو بُود و اگر به برف‌سرو  
بُود حرام نیست . و شافعی رضی‌الله‌عنه میگوید : دلیل  
بر آنکه شاهین حلال است آن است که آواز شاهین به‌گوش  
رسول‌صلی‌الله‌علیه آمد . انگشت در گوش کرد ، و ابن  
عمر را گفت : " گوش‌دار و چون دست‌بدارد مرا خبرده " .  
پس ابن‌عمر را رخصت داد تا گوش‌دارد و این دلیل آن  
است که مباح است . اما انگشت در گوش کردن رسول‌صلی  
الله‌علیه دلیل آن است که وی را در آنوقت حالتی بوده  
باشد شریف و بزرگوار ، که دانسته باشد که آن آواز  
وی را مشغول بکند .

سبب سوم آنکه اندر سرود صفتی باشد از آن زنان  
معروف ، که زنان را وصف کردن پیش‌مردان روا نباشد ،  
که این همه شعرها گفتن و شنیدن حرام باشد .

سبب چهارم آنکه شنونده جوان باشد و شهوت‌سیر وی  
غالب بُود ، و چون حدیث زلف و خال و صورت‌نیکو شنود  
شیطان پای به گردن وی درآورد و شهوت را در وی بجنباند ،  
و عشق‌نیکویان را در دل وی آراسته گرداند .

سبب پنجم آنکه عوام سماع به عادت‌کنند بسبب  
طریق‌عشرت و بازی ، و این مباح باشد ، ولیکن بشرط  
آنکه پیشه‌نگیرند و بر آن مواظبت نکنند . چنانکه مزاح  
کردن گاه‌گاه مباح است ، ولیکن اگر کسی به عادت  
گیرد مسخره باشد و نشاید ... آورده‌اند که جوانی در

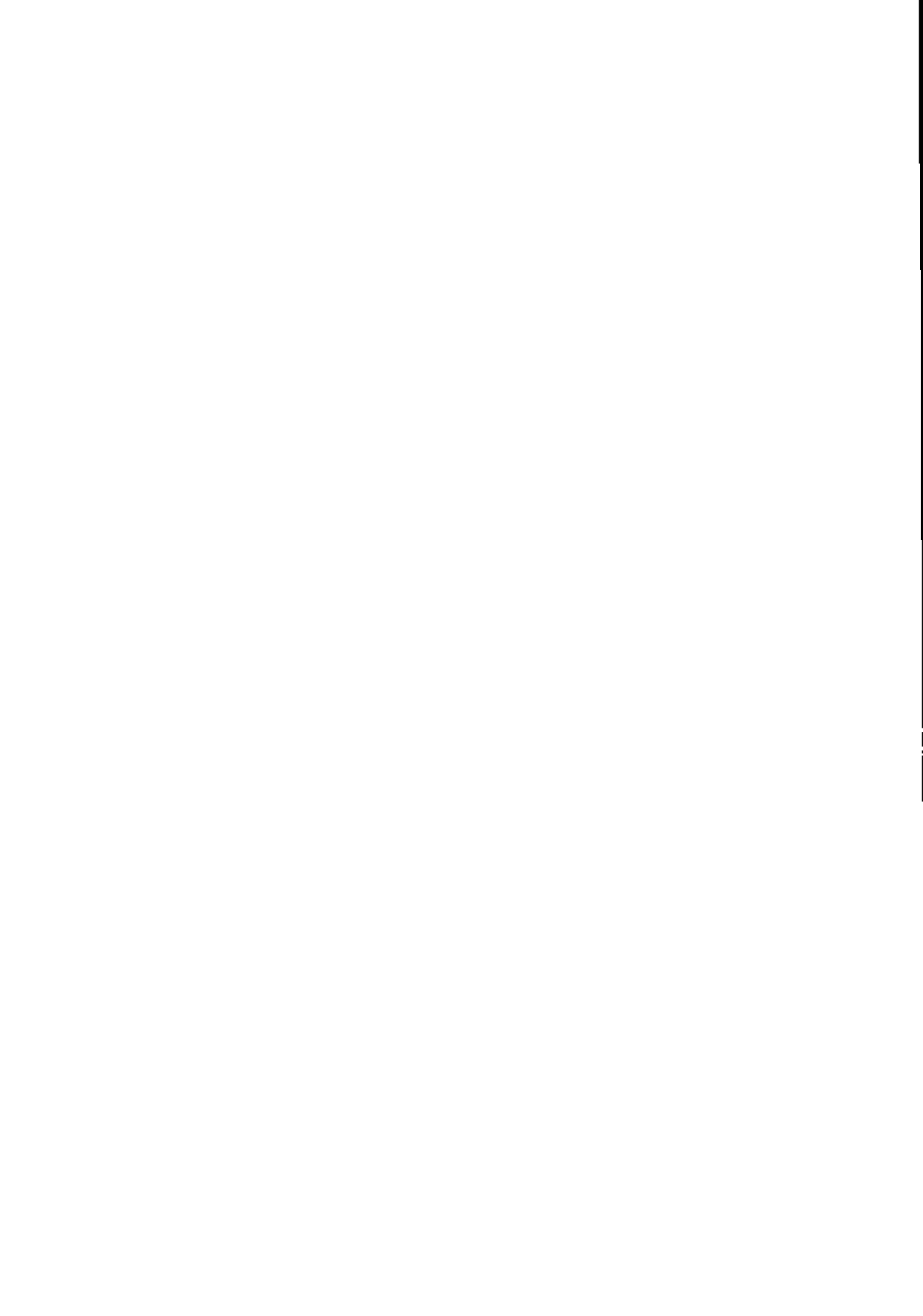
صحت جنید رضی اللہ عنہ بود . چون سماع بشنیـدی بانگ کردی . جنید گفت : " اگر چنین کنی در صحبت من نباشی " . پس وی صبر همی کرد ، به جہدی عظیم . تا یک روز چندان خویشتن نگاه داشت کہ طاقتش نماند ، بہ آخر بانگ نکرد و شکمش بشکافت و بمرد ! "



نخستین جلد

شیخ در ایران امروز :

عصر طلایی و کاندازان زمین



ایران در طول پنج سال آینده دستخوش  
تفسیرات بنیادی عمیقی خواهد شد که بی آمده‌های آن  
سبب ضعف شدید بنیه مالی و نظامی ایران خواهد  
بود. بی‌ازاین دوره افت و خیز، حکومتی زمام  
امور را بدست خواهد گرفت که به علت ناتوانی مالی  
و نظامی، در برنام‌ها بیش دیگر جانی برای رؤیای  
تمدن بزرگ وجود نخواهد داشت، و به سبب شرایط  
حاکم بر جو سیاسی و اقتصادی و اجتماعی ایران، این  
کشور مقامی همپایه کشور همجواریش افغانستان  
را خواهد یافت و برای همیشه رؤیای پنجمین قدرت  
نظامی و سیاسی و اقتصادی جهان شدن را فراموش  
خواهد کرد.

( رادبوی انگلستان B.B.C. )

برنامه فارسی، ۱۷ آذر ۱۳۵۷ )

انواع مختلفی از استبداد در دنیا وجود  
دارد. ولی وحشیانه ترین همه آنها در همه حال  
استبداد نعلین است.

( علامه ناشینی در کتاب تنبیه الامه و تنزیه

المله، ترجمه به فارسی توسط آیه الله طالقانی )





## در ادامه سنتی پایدار

— آنچه در بخشهای قبلی این کتاب گفته شد، نموداری از وضع اجتماعی جامعه تشیع ایران در حلوه " آخوند زده " آن بود. تصویری از " پیاده شدن " ایدئولوژی آخوند در جامعه‌ای که سطوح معینسی از آن منحصرأ به دوطبقه مجتهد و مقلد تقسیم شده‌اند. ولی آیا این نمودار فقط مربوط به گذشته دور یا نزدیک است؟ آیا این تصویر، تنها تصویری از زشتیها و زیباییهای است که اکنون بدست تاریخ سپرده شده است؟

بدیهی است که نه، زیرا که هیچ عاملی در بین معادله تغییر نکرده است تا ترکیب خود آن نیز تغییر کند. آخوندها همان آخوند است و فرهنگ او نیز همان فرهنگ، و مؤمنین همان مؤمنین، و تقلید و اجتهاد همان تقلید و اجتهاد. و کالاهای عرضه شده در دکان هزار ساله خدا فروشان همان کالاها، البته با برخورداری از تکنولوژی تولیدی پیشرفته تر و بسته بندی مدرن تر. گنجینه گرانبهای احادیث و احکام و فتاوی معتبره نیز نه تنها دست نخورده است، بلکه منظمأ به غنا و رونق آن افزوده هم میشود.

بنابراین تمام موازین اقتضا میکند که همه معیارات این مکتب کهنسال و " از آب و آتش گذشته " با همان استحکام بشین، بخصوص در دوران " نخستین

حکومتِ الله " در روی زمین برقرار باشد ، و برقرار هم هست ؛ اعظم مکتبداران مکتب‌داریا کما فی السابق دروغ میگویند ، کما فی السابق حدافروشی میکنند ، کما فی السابق مشغول " استعمارند " . مؤمنین نیز یا سینه میزنند، یا شهید می‌شوند، یا با حضرات صاحب‌الزمان ملاقات‌های روزانه دارند، یا در وصف‌نایب ایشان اشعار آبدار میسرایند .

ترسیم نموداری از مشخصات اصلی این نظام پیا میرگونه و علی وار وزینب خروش ، نیازی به تفسیر و تعبیر ندارد ، مضافاً باینکه وظیفه کتاب حاضر چنین تعبیر و تفسیری نیست ، فقط تذکر این واقعیت است که هر چند هم که عصر جاهلیت جای خود را به دوران سلطه دانش داده باشد ، و بحث بول و غایط از صورت مهم‌ترین مسئله شرعی مؤمن بیرون آمده باشد ، دکاندار دین همیشه دکاندار دین است ، و بازاری همیشه بازاری ، و فرهنگ آخوند نیز همیشه فرهنگ آخوند ، و گفته سعدی نیز همان گفته سعدی است که :

خرعیبی گرش به مکه برند ،

چون بیاید هنوز خراب شد !

... و این است نمونه‌هایی از این " استعمار فرهنگی " ، که فقط بصورت مجموعه ای از نقل قولها ، یا نقل نوشته‌ها ، بدون هیچ شرح و تفسیر ، برای اطلاع خودتان و احتیاطاً نیز " برای ضبط در تاریخ " نقل میشود :

## آنچه دیروز گفته شد...

" ای کسانکه ایمان آورده‌اید  
حرا حسزی را میگوئید که در  
عمل خلاف آنرا می‌کنید؟"

(قرآن ، سوره صف ، آیه ۲)

" مگر شنیده باشی که زنان  
دروغگو جلوه‌ای هم‌رنگ سراب  
دارد ، دور را در چشم تو نزدیک  
نماید و نزدیک را از جان تو  
دور سازد ."

(از وصیتنامه علی بن ابی طالب)

(ایضاً نامه امام حسن)

- رغبت شخصی و وضع ستی و مزاجی من اجازه نمیدهد  
که بعد از سقوط رژیم فعلی ، شخصاً نقشی در اداره امور  
مملکت داشته باشم .

( در مصاحبه با خبرنگاری امریکائی آوشیتند

پرس ، پاریس ، ۱۶ آبان ۱۳۵۷ )

- کرارا گفته‌ام که به میل و رغبت من ، به سن  
و موقعیت من ، اجازه حکومت کردن رایبه من نمیدهند .

( در مصاحبه با خبرنگاری امریکائی یونایتد

پرس ، پاریس ، ۱۷ آبان ۱۳۵۷ )

- من خودم نمی‌خواهم قدرت یا حکومت را بدست

بگیرم ، من خواهان قدرت شخصی نیستم .

( در مصاحبه با روزنامه انگلیسی گاردین ،

پاریس ، ۲۵ آبان ۱۳۵۷ )

- من نمیخواهم رهبر جمهوری اسلامی باشم .  
نمی خواهم حکومت یا قدرت را بدست بگیرم . من فقط  
مردم را برای انتخاب حکومت ارشاد خواهم کرد .

( درمناحه با تلویزیون انرئس ، پاریس ،

۲۵ آبان ۱۳۵۷ )

- اس مردم ایران هستند که باید افراد کاردان  
و ثانیاً اعضاء خود را انتخاب کنند و مسئولیت امور را بدست  
آنان بسپارند . لکن من شخصاً نمیتوانم در آن تشکیلات  
مسئولیت و مقام خاصی را بپذیرم .

( درمناحه با روزنامه لوژورنال ، پاریس ،

۷ آذر ۱۳۵۷ )

- پس از خروج شاه از ایران ، من نه رئیس جمهور  
خواهم شدم نه هیچ مقام رهبری دیگری را بعهده خواهم  
گرفت ، مثل گذشته فقط به ارشاد و هدایت ملت اکتفا  
خواهم کرد .

( درمناحه با روزنامه فرانسوی لوموند ،

پاریس ، ۱۹ دی ۱۳۵۷ )

\* \* \*

- رژیم اسلامی با استناد جمع نمیشود .

( درمناحه با خبرنگاری فرانسوی فرانس پرس

پاریس ، ۳ آبان ۱۳۵۷ )

- حکومت اسلامی ما اساس کار خود را بر بحث آزاد

و مبارزه با هر نوع سانسور گذاشته است .

( درمناحه با خبرنگاری انگلیسی رویتر ،

پاریس ، ۴ آبان ۱۳۵۷ )

- ما میخواهیم ارتجاع را رفع کنیم . نهضت ما

نهضت پیشگرا است .

( درمناحه با تلویزیون فرانسه ، پاریس ،

۶ آبان ۱۳۵۷ )

- در جمهوری اسلامی ، حقوق اقلیت‌های مذهبی  
محترم بوده و کاملاً رعایت خواهد شد .

( در مصاحبه با تلویزیون اتریش ، پاریس ،  
۱۵ آبان ۱۳۵۷ )

- در حکومت اسلامی ایران ، مطبوعات در نشر همه  
واقعیات و حقایق کشور آزاد خواهند بود و تشکل هرگونه  
اجتماعات و احزاب از طرف مردم نیز آزاد خواهد بود .

( در مصاحبه با روزنامه ایتالیایی پائزه  
سرا ، پاریس ، ۱۱ آبان ۱۳۵۷ )

- ما فقط مطالبه حقوق اولیه بشر را در ایران  
میکنیم .

( در مصاحبه با رادیولوگزامبورگ ، پاریس ،  
۱۱ آبان ۱۳۵۷ )

- جامعه آینده ما جامعه آزادی خواهد بود ، همه  
نیادهای فشار و اختناق در آن از میان خواهد رفت .

( در مصاحبه مطبوعاتی با مجله آلمانی  
اشپیگل ، پاریس ، ۱۶ آبان ۱۳۵۷ )

- تمام اقلیت‌های مذهبی در ایران برای اجرای  
آداب دینی و اجتماعی خود آزاد خواهند بود و حکومت اسلامی  
خود را موظف میداند از حقوق و امنیت آنان دفاع کند .

( در مصاحبه با نشریه کویتی القومی العربی ،  
پاریس ، ۱۸ آبان ۱۳۵۷ )

- در دولت اسلامی آینده ایران ، هرکس میتواند  
عقبه خودش را اظهار بکند ، و دولت اسلامی تمام  
منطق‌ها را با منطق جواب خواهد داد .

( در مصاحبه مطبوعاتی بین‌المللی ، پاریس ،  
۱۸ آبان ۱۳۵۷ )

- ما میخواهیم حکومت اسلامی را بصورت مشایخه  
مدراسلام اجرا بکنیم تا شما معنی درست دمکراسی را

بفهمید، و شربدانند که دمکراسی اسلام با این دمکراسی -  
های دیگر چقدر فرق دارد. اگر مزایای این اسلام را مردم  
دنیا بفهمند امید من اینست که همه آنها مسلمان بشوند.  
( در مصاحبه با گروهی از جوانان فرانسوی.

پاریس ، ۱۸ آبان ۱۳۵۷ )

- تمام مسائلی که ما مطرح میکنیم به استناد  
متنم قانون اساسی است که برای ما معتبر است . قانون  
اساسی با حفظ متنم آن برای مسائلی که ما مطرح کرده‌ایم  
میتواند مستند باشد. برنامه سیاسی ما آزادی و دمکراسی  
حقیقی است .

( در مصاحبه مطبوعاتی با خبرنگاران غربی ،

پاریس ، ۱۹ آبان ۱۳۵۷ )

- در حکومت اسلامی همه افراد دارای آزادی کامل  
در هرگونه عقیده‌ای خواهند بود .

( در مصاحبه با سازمان عفو بین المللی ،

پاریس ، ۱۹ آبان ۱۳۵۷ )

- پیشنهاد من برای ایجاد یک حکومت اسلامی ، به  
معنی بازگشت به گذشته نیست . من قویاً طرفدار تمدن  
و ترقی هستم .

( در مصاحبه با خبرنگاران بین المللی در

پاریس ، نقل از روزنامه اطلاعات ، ۲۱ دی

۱۳۵۷ )

- بعد از رفتن شاه آرامش بطور کامل به ایران باز  
خواهد گشت .

( مصاحبه با تلویزیون NBC آمریکا ، پاریس

۲۰ آبان ۱۳۵۷ )

- اگر شاه برود ایران امن و آرام خواهد شد و تمام  
قوای آن صرف ترمیم خرابیهای زمان شاه خواهد شد .

( در مصاحبه با مجله انگلیسی ویکلی مگزین ،

پاریس ، ۲۴ آبان ۱۳۵۷ )

\* \* \*

- در حکومت اسلامی ما ، از نظر حقوق انسانی -  
تفاوتی بین زن و مرد نیست ، زن حق دخالت در سرنوشت  
خودش را درست به اندازه مرد دارد .

( در مصاحبه با روزنامه هلندی دی ولت گرانٹ  
پاریس ، ۱۸ آبان ۱۳۵۷ )

- این حرفهایی که راجع به زنان در حکومت آینده

اسلامی شنیده‌اید همه تبلیغات مغرضانه است ، در  
جمهوری اسلامی زنها کاملاً آزادخواهند بود ، چه در تحصیل ،  
چه در هر کار دیگر ، کاملاً همانطور که مردها آزادند .

( در مصاحبه با خبرنگاران آلمانی ، پاریس ،  
۲۱ آبان ۱۳۵۷ )

- زنان در جمهوری اسلامی در انتخاب نوع فعالیت  
و سرنوشت خود ، و همچنین پوشش خود ، آزادخواهند بود .

( در مصاحبه با روزنامه انگلیسی گاردین ،  
۲۵ آبان ۱۳۵۷ )

\* \* \*

- دانشگاه تعطیل است ، نمیگذارند کاری بکنند ،  
میریزند توی آن ، زن و مردش را میزنند . زخمی میکنند  
یا میگیرند و میبرند در حبس ها . دانشجویان اکتک میزنند  
و میکشند .

( سخنرانی برای گروهی از ایرانیان مقیم  
اروپا ، پاریس ، ۲۵ مهر ۱۳۵۷ )

- این آزادی که میگویند مملکت دارد ، همداش



خوسریزی است ، همه اش حس است ، همه اش زجر است .  
( سخنرانی برای گروهی از ایرانیان مقیم  
اروپا ، پاریس ، ۲۸ مهر ۱۳۵۷ )  
- اساتید دانشگاهها نمیتوانند آنطور که  
مخواهند به کار خودشان ادامه بدهند ، دانشجویان  
دانشگاهها هم نمیتوانند به کار خودشان آنطور که  
مخواهند ادامه بدهند .

( سخنرانی برای گروهی از ایرانیان مقیم  
اروپا ، پاریس ، ۲ آبان ۱۳۵۷ )  
- مدارس ما غالباً یا نیمه تعطیل است یا تعطیل .  
وقتی هم که اشتغال داشته باشند دستور این است که  
آزاد باشند و رجال و رشنگرد در آنها فعالیت نکنند .  
( درمناحیه ساتلویزیون فرانسه ، پاریس ،  
۶ آبان ۱۳۵۷ )

- کشور در حال ورشکست است ، ولی با استقرار  
جمهوری اسلامی ساختمان واقعی شروع خواهد شد .  
( درمناحیه ساتلویزیون اتریش ، پاریس ،  
۱۰ آبان ۱۳۵۷ )

- اینها برای تحمل قدرت خودشان تشبیه میکنند  
به یک عده جماعی بدست ، زیر سایه جماعها میخواهند  
زندگی کنند .

- ما حکومتی را میخواهیم که برای اینکه یکدسته  
میگویند مرگ بر فلان کسی آنها را نکشد .

( سخنرانی برای گروهی از ایرانیان مقیم  
اروپا ، پاریس ، ۱۲ آبان ۱۳۵۷ )  
- با اعمال زور و شکنجه و اعمال خلاف انسانی ،  
هزاران نفر در ایران از زمین رفته اند و میروند .  
( درمناحیه با مجله عربی المستقل چاپ  
پاریس ، ۱۵ آبان ۱۳۵۷ )

می حور، کدسح و حافظه و مفنی و محسب  
چون نیک سگری، همه زویر میکنند

حافظ

— آنها که از مکر اسی حرف میزنند گوی بدهند .  
آنها با اسلام مخالفند . میخواهند ملت را از سرخودن  
محرف کنند . ما قلمبای مسموم آنها را که صحت ملی  
و دموکراتیک و اینها را میکنند منکنیم .

( در ملاقات با دانش آموزان و فرهنگیان قم .

۲۲ اسفند ۱۳۵۷ )

— آن قسری را که بواسطه مخالفت با اسلام با ما  
مخالفت میکند با همان مثنی که رژیم را ازین بردیم  
این وابسته ها را ازین خواهیم برد . به گفته های  
خودتان توجه کنید . از نوشته های که مینویسید توبه  
کنید . من به شما اخطار میکنم که هنوز وقت توبه باقی  
است .

( در مدرسه فیضیه قم ، ۱۵ خرداد ۱۳۵۸ )

— مثنی حیلہ گر فرمت طلب هستند که نمیگذارند  
کارها بصورت اسلامی پیش برود . لکن باید یک قدری صبر  
کنیم که مراحل اصلی کارها بگذرد و بعد از آن یک تصفیه  
صحیح انجام گیرد . اینها باید تصفیه بشوند . وقتی که  
مسائل اصلی حل شد آنها را یکروزه تصفیه میکنیم .

( در ملاقات با نمایندگان شرکت ملی نفت ایران

قم ، ۴ تیر ۱۳۵۸ )

— ما آن روز که بفهمیم توطئه گران دست از لجاجت  
برنمیدارند یکروزه فاتحه آنها را میخوانیم .  
کسانی که به اسلام توجه ندارند یا نمیخواهند قوانین  
اسلام پیاده شود ولو هرچه دانشمندان نویسنده باشند

ملت ما آنها را انتخاب نخواهد کرد. آنهایی که گمان میکنند با طرحهای شیطانی خود میتوانند برای انحراف قانون اساسی از محرای اسلامی راهی پیدا کنند اشتباه میکنند.

( سخنرانی در مدرسه فنییه قم ، ۳۰ تیر ۱۳۵۸ )  
- اشخاص روشنفکر، اشخاص صاحب قلم، صاحب اطلاع و فکر، بعضیشان را می بینید که قلمها را بر میدارند و بنام دموکراسی هرچه دلشان میخواهد مینویسند و موجب تشتت میشوند. این طبقه با اصطلاح روشن باید خودش را اصلاح کنند. ما هرچه میکشیم از این طبقه‌ای است که ادعا میکنند روشنفکریم و حقوقدانیم. هرچه ما میکشیم از اینها است.

( خطاب به اعضای نهضت رادیکال ایران ، قم ،

اول مرداد ۱۳۵۸ )

- باید به این روشنفکران هشدار داد که اگر

از فضولی دست بردارید سرکوب خواهید شد. ما با شما با ملایمت رفتار کردیم که شاید دست از شیطنت بردارید و اگر دست بردارید کلمه آخر را خواهیم گفت. این چپ‌روهای امریکائی و غیر امریکائی بدانند امروز که ما بخواهیم در ظرف چند ساعت تمام آنها را زباله‌های فنا ریخته خواهند شد.

( پیام به ملت ایران ، ۱۷ مرداد ۱۳۵۸ )

- کسانی که جبهه‌های سیاسی تشکیل میدهند باید دست از کار خودشان بردارند. اگر بنا بود از اول مثل سایر انقلاباتی که در دنیا واقع میشود چند هزار از این فاسدها را در مراکز عام سر میبردند و آتش میزدند، تا قضیه تمام شود، اشکال بر طرف میشد.

ما یک حزب یا چند حزب را که صحیح عمل میکنند میگذاریم عمل بکنند و باقی را ممنوع اعلام میکنیم. ما دیگر

نمیتوانیم آن آزادی را که قبلاً دادیم بدهیم و نمیتوانیم بگذاریم این احزاب کار خودشان را ادامه بدهند. ما شرعاً نمیتوانیم مهلت بدهیم. شرعاً جائز نیست که مهلت بدهیم. ما آزادی دادیم ولی خطا کردیم. با این حیوانات درنده نمیتوانیم با ملایمت رفتار بکنیم. دیگر نمیگذاریم هیچ نوشته‌ای از اینها در هیچ جای مملکت پخش شود. تمام نوشته‌هایشان را از بین میبریم. با اینها باید با شدت رفتار کرد و با شدت رفتار خواهیم کرد.

( در مجلس معارفه با نمایندگان مجلس خیرگان

قم ، ۲۷ مرداد ۱۳۵۸ )

— بعد از انقلاب مرزها را باز گذاشتند. قلم‌ها را آزاد کردند ، گفتار را آزاد کردند ، احزاب را آزاد کردند ، بخیال اینکه یک مردمی هستند که اگر لاقبل مسلمان نیستند آدم هستند. اما معلوم شد اینها عمال خارجیها هستند. حالا برای ما ماهیت این نویسنده‌ها.. ماهیت این احزاب ، ماهیت این الفاظ فریبنده بسی معنی ، روشن شده است. ما دیگر آزادی نخواهیم داد. اینها اهل این نیستند که با نصیحت دست از کارهای خودشان بردارند. باید با شدت با آنها رفتار کرد.

( در مدرسه فیضیه قم ، ۲۷ مرداد ۱۳۵۸ )

— آنهایی که با اسم دمکراسی میخواهند مملکت ما را به فساد و تباهی بکشند باید سرکوب شوند. اینها از یهود بنی قریظه نیز بدترند و باید اعدام شوند. ما به اذن خدا و امر خدا آنها را سرکوب میکنیم .

( در مدرسه فیضیه قم ، ۸ شهریور ۱۳۵۸ )

— آنهاییکه به جمهوری اسلامی رأی ندادند — معنایش این است که ما طاغوت را میخواهیم. اینها که تحریم کردند تا رأی به جمهوری اسلامی داده نشود

منافقند. ما با آنان مثل منافقین عمل میکنیم و آنها را سرکوب میکنیم. شما منافقین هستید که میخواهید فتنه بکنید. منافقین هستید که برضد اسلام و برضد کشور توطئه کردید. رفت و آمد شما کنترل است. شما اطلاع دادند که شما با اشخاصی که میخواهند مملکت ما باز به حال اول برگردد رفت و آمد و روابط دارید. حال که توطئه شما ثابت شد ما شما را سرکوب خواهیم کرد. اگر چنانچه دست از شیطننت برندارید بسیجی فوق این بسیج که انجام گرفت انجام میدهیم و تمام را پاکسازی میکنیم. نمیگذاریم شما جرثومه های فساد باقی بمانید و دوباره کار خودتان را بکنید.

( از پیام عید فطر - ۱۲ شهریور ۱۳۵۸ )

- این ریشه های گندیده که الان در کار هستند سرکوب میشوند و در نتیجه مملکت پاکسازی میشود. حضرت امیرالمؤمنین وقتی که مواجه شد با لشکر معاویه که از کفار هم بدتر بودند و همچنین با خوارج که از آنها هم همینطور بودند با شدت تمام رفتار نمودند و خوارج را چنان سرکوب کردند که از آنها فقط چند نفری توانستند فرار کنند.

( خطاب به خانواده های خلیانان ، قم ،

۱۱ شهریور ۱۳۵۸ )

- روز خوارج روزی است که امیرالمؤمنین سلام الله علیه شمشیرش را کشید و این فاسدها را مثل غده های سرطانی درو کرد و تمامشان را کشت. آنروز یوم الله بود، روزها تیکه خدای تعالی برای تنبیه ملتها به آنها زلزله وارد میکند، سیل وارد میکند، طوفان وارد میکند و خلاصه به مردم شلاق میزند که آدم بشوید. اینها همه روز خدا است و چیزهایی که به خدا مربوط است.

( در یادبود شهدای ۱۷ شهریور ، قم ،

- در کارها کارشکمی نکنید. همه باید از جمهوری اسلامی تبعیت کنید که اگر نکنید محو خواهد شد.

( خطاب به افسران نیروی هوایی اصفهان،

قم ، ۲۸ شهریور ۱۳۵۸ )

- مخالفان ما مثل غدد سرطانی هستند که باید

عمل کرد و بیرونش آورد والا همه چیز را فاسد میکند.

( خطاب به نمایندگان مردم تبریز، قم،

۲۸ شهریور ۱۳۵۸ )

- این نوشته‌ها، این نطقها، این کارهای خلاف،

این برنامه‌های دمکراسی، کناره‌گیری از اسلام است.

هرنداشی که پیدا شود از کفر است، از زندقه است.

( خطاب به نمایندگان مردم تبریز، قم،

۲۸ شهریور ۱۳۵۸ )

- ما باید این اشخاص و گروهها را که در مسیر اسلام

و نهضت اسلامی نیستند و مقالاتشان و گفتار و کردارشان

بشناسیم. شما روحانیون که بحمداله زمام امت اسلامی

را در دست دارید باید مردم را به تشکل این شیاطینی که

مشغولند مجالس درست میکنند و حرفها میزنند توجه

دهید. اینها از یک مطلب میترسند و آن اسلام است.

از هر چه انتقاد میکنند نقطه اصلی که میخواهند بدان

حمله کنند خود اسلام است. قلمهای اینها همان سرنیزه

سابق است که بصورت قلم درآمده است... اینها باید

بفهمند که تا این منبر و محراب هست و تا این خطا بس

خوانها هستند کاری نمیتوانند بکنند. من توصیه میکنم

به شما مخالفین که اینقدر اجتماع نکنید، اینقدر

اعلامیه ندهید، اینقدر نشریه ندهید، جرئت کرده‌اید

سردرآورده‌اید؟ توی دهنهای میزنم. مگر قدرت این

را دارید؟ دست از این حرفها و از این مزخرفات بردارید.

( خطاب به گروهی از روحانیون، قم،

۳۰ مهر ۱۳۵۸ )

- در انقلابی که در ایران حاصل شد درست‌سرایین مملکت فریاد مردم این بود که ما اسلام را می‌خواهیم . این ملت قیام نکردند که مملکتشان دمکراسی باشد .

( در ملاقات با شورای مدیره صدا و سیمانی

جمهوری اسلامی ایران ، قم ، ۱۹ آذر ۱۳۵۸ )

- این جنایتکار ها که در بازداشت هستند متهم نیستند بلکه جرمشان محرز است . باید فقط هویت آنها را ثابت کرد و بعد آنها را کشت . اصلاً احتیاج به محاکمه آنها نیست . هیچگونه ترحمی درباره آنها مورد ندارد . ما معتقدیم که مجرم اصلاً محاکمه ندارد و باید او را کشت . ( پیام به ملت ایران ، ۹ تیر ۱۳۵۹ )

- مردم باید پند بگیرند از آن مادری که پسر خودش را آورد و بدست محاکمه سپرد و آن پسر اعدام شد . که این یکی از نمونه‌های اسلام است و دیگران هم باید همین‌طور باشند . اولادها و برادرها و فرزندان خودشان را اگر نصیحت نپذیرفتند معرفی کنند تا به مجازات خود برسند . وظیفه اسلامی و وظیفه ایمانی و ملی آنهاست . بآن عمل کنند .

( در ملاقات با افسران و درجه داران شهربانی

جمهوری اسلامی ، ۲ شهریور ۱۳۶۰ )

- این کاری که تو کردی ، ای زن ، که پسررت را به مجازات سپردی ، نمونه‌ای شد در اسلام . این کار را همه باید بکنند . وظیفه همه مردم مسلمان است که اینکار را انجام بدهند .

( در ملاقات با مادر محمود طریق الاسلام ، برای

اعلام او بعنوان " مادر نمونه " ، جماران ،

۴ شهریور ۱۳۶۰ )

- ایران دنبال یک برنامه‌ای هست که آن برنامه اسلام است . همان اسلامی که می‌گوید اگر کسی با چپ‌پا

باراست مراوده داشته باشد، این کس محارب با خدا است. قصد محاربه با خدا را دارد. و مجازات او مجازات محارب است.

( در ملاقات با مربیان امور تربیتی، جماران،

۲۸ شهریور ۱۳۶۱)

و فرمانی پیامبرگونه، در انطباق کامل با

او امر الهی و آیات قرآن کریم:

" یا ایها الذین آمنوا اجتنبوا كثيراً من الظن... ولا

تجسسوا ولا یغتب بعضکم بعضاً " (سوره حجرات، آیه ۱۲)

( ای اهل ایمان، از سوء ظن در حق یکدیگر پرهیزید،

و بعضی از شما بر بعضی دیگر جاسوسی مکنید. )

- " دانشر آموزان عزیز باید با کمال دقت اعمال

و کردار دبیران و معلمین را زیر نظر بگیرند، که اگر

خدای نا کرده در یکی از آنان انحرافی ببیند بلافاصله

به مقامات مسئولان گزارش نمایند. و خود دبیران

و معلمین با هوشیاری مواظب همکاران خود باشند تا

اگر بعضی از آنان خواستند افکار انحرافی خود را در خلال

تدریس به فرزندان میهن اسلامیان القاء کنند از

آنان جلوگیری نمایند. و در صورتیکه فایده‌ای نبخشید با

قاطعیت مطلب را با مسئولان در میان بگذارند.

فرزندان عزیزم خود نیز از یکدیگر به بهتری

وجه مراقبت نمایند و در صورتیکه مشاهده کردند که بعضی

از دشمنان نشان در لباس دوست و همشاگردی میخواهند آنان

را جذب گروه خود کنند به مقامات مسئول معرفی نمایند

و سعی کنند این کار را بصورتی مخفی انجام دهند.

مادران و پدران متعهد از رفت و آمدهای فرزندان نشان

سخت مراقبت نمایند و آنان را زیر نظر بگیرند. "

( پیام مناسبت روز بازگشایی مدارس، اول

مهرماه ۱۳۶۱)



- روحانی نباید به شغل دیگری غیر از روحانیت  
که بسط توحید و تقوی و بخش و تعلم قانونهای آسمانی  
و تهذیب اخلاق توده است بپردازد.  
( کشف الاسرار ، صفحه ۲۵۸ )

- مقامات روحانی شیعه قصد ندارند خودشان در  
ایران حکومت کنند .

( درمناحه با خبرگزاری فرانسوی فرانس پریس ،  
پاریس ، ۳ آبان ۱۳۵۷ )

- در ایران اسلامی علماء خودشان حکومت نخواهند  
کرد ، و فقط ناظروها دی مجریان امور خواهند بود .  
حکومت مملکت در همه مراتب خود تحت نظارت و ارزیابی  
و انتقاد عمومی خواهد بود .

( درمناحه با خبرگزاری انگلیسی رویتر ،  
۴ آبان ۱۳۵۷ )

.....  
- این ملت هست و این روحانیت هم هست . این را  
بدانید که درهرجائی از این مملکت ، فقط روحانیت  
میتواند کارها را از پیش ببرد . این قدر تعصب نکنید  
که بخواهید کنار بگذارید روحانیت را ، آخر شما در ظرف  
چندین سال چه کار کردید برای کشور که حال میگوئید  
روحانیون نباید مصدر کارها باشند؟ قدر این روحانیت  
را بدانید . شما نمیفهمید درست! اگر این طایفه را از  
کار کنار بگذارید اسم و رسمی از اسلام نخواهد بود . فرض  
کنید یک روحانی هم یک جایی خلاف کرده است ، چرا شما  
باید خلاف بکنید و فلان معمم نباید خلاف بکند؟

( در ملاقات با نمایندگان مجلس شورای اسلامی ،  
جماران ، ۶ خرداد ۱۳۶۰ )